

# نزول يك رسا نه

## محمد صادق جوادى حصار

ماجرایي که دوشنبه شب در شبکه افق صداوسیما با حضور خانمها شهیندخت مولوردی و زهرا شجاعی رخ داد و بازتاب فراوانی در فضای عمومی کشور و شبکه‌های اجتماعی داشت، می‌تواند از منظر عمومی و رسانه‌ای واجد آموزه‌های فراوانی برای افکار عمومی باشد. هرچند يك چنین برخوردهای سیاسی و جناحی در صداوسیما مسبوق به سابقه است، اما ضروری است ابعاد و زوایای گوناگون ماجرا از منظر تحلیلی مورد بررسی و کنکاش قرار بگیرد تا افکار عمومی از چرایی بروز يك چنین برخوردهایی آگاه شوند. براساس اطلاعاتی که تا به امروز بازتاب پیدا کرده، مدتی قبل، خانمی ظاهراً کارشناس، اتهاماتی را در خصوص عملکرد معاونت زنان حوزه ریاست جمهوری دولت قبل ایراد می‌کند. بعد از طرح این اتهامات که ظاهراً پایه و اساس درستی هم نداشته‌اند، خانمها مولوردی و شجاعی به شبکه افق صداوسیما دعوت می‌شوند تا به اتهامات ایرادشده، پاسخ دهند. در واقع هرگز بحث مناظره در بین نبوده و اطلاعی در این زمینه به میهمانان داده نشده بود. یعنی اعلان نشده بود که قرار است فرد دیگری در میانه بحث به این گفت‌وگو بپیوندد و توضیحاتی را ارائه کند. بنابراین از آنجا که توضیحات کارشناس منتقد قبلی، یکطرفه بوده است، خانمها مولوردی و شجاعی، حق خود می‌دانستند که در وقت در نظر گرفته توضیحات مقتضی را ارائه کنند تا نهایتاً افکار عمومی قضاوت خود را داشته باشد. اما در کمال تعجب و به‌رغم زمان موسعی که در نوبت قبل در اختیار اتهام‌زنندگان قرار گرفته بود، باز هم تریبون یکطرفه‌ای در اختیار او قرار گرفت تا اتهامات قبلی خود را تکرار کند. زمانی که گردانندگان برنامه باز هم فرصت را در اختیار فرد اتهام‌زننده قرار دادند و اتهامات قبلی تکرار شد، خانمها مولوردی و شجاعی به نشانه اعتراض نسبت به شیوه مدیریت جلسه و ایراد اتهامات بی‌پایه و اساس، برنامه را ترک کردند. در این میان چند احتمال بر این ماجرا مترتب است که باید به آنها توجه کرد.

نخست اینکه: احتمال اصلی آن است که به میهمانان برنامه درباره برگزاری مناظره اطلاع‌رسانی نشده بود. اگر گفته نشده بود، حق میهمانان است که اعلام کنند، نه برای برگزاری مناظره بلکه در

راستای ادای پاره‌ای توضیحات راهی این برنامه شده‌اند و حاضر به گفت‌وگو با فرد مورد نظر گردانندگان برنامه نیستند. این حقی است که هر فردی می‌تواند از آن برخوردار باشد. یعنی تنها در دادگاه‌های صالحه است که می‌توان افراد را وادار به ارایه توضیحات کرد. بحث بعدی مربوط به چگونگی برخورد صداوسیما به موضوعی است که طیف‌های مختلف درخصوص آن دیدگاه‌های مختلفی دارند. طبیعتاً رسانه‌ای که عنوان «ملی» را بر تارک خود می‌نشانند، باید بدون قضاوت و داوری به‌طور عادلانه فضا را در اختیار دو طرف قرار دهد تا نظرات خود را مطرح کنند. قضاوت نهایی نیز با افکار عمومی خواهد بود که درخصوص ابعاد و زوایای گوناگون موضوع داوری کنند. رویکرد عادلانه و حرفه‌ای این است که صداوسیما قبل از برگزاری نشست در اتمسفری شفاف به هر دو طرف اعلام کند که مثلاً قصد برگزاری مناظره را دارد. اگر هر کدام از طرف‌ها نمی‌پذیرفتند، صداوسیما اعلام می‌کرد که برای برگزاری مناظره دو طرف را دعوت کرده، اما یک طرف پذیرفته یا نپذیرفته است. این رویکرد که بدون اطلاع قبلی یک صحنه‌آرایی جناحی را ترتیب دهند و افراد را در معرض عمل انجام‌شده قرار دهند با هیچ منطقی سازگار نیست. این واقعیت که در افکار عمومی ایران جا افتاده است که صداوسیما در پاره‌ای از موضوعات مشابه، بی‌طرف نیست و همواره جانبدارانه و جناحی عمل می‌کند، امری پذیرفته‌شده و مبرهن است. واقع آن است که صداوسیما هرگز در جایگاه رسانه ملی و بی‌طرف قرار نداشته و همواره منشا انتقادات فراوانی بوده است.

متأسفانه صداوسیما طی دهه‌های اخیر از جایگاه رسانه ملی به جایگاه یک رسانه جناحی نزول کرده است. صداوسیما به شکل تصویری روزنامه کیهان بدل شده است. همان‌طور که روزنامه کیهان خود را تریبون یک نگاه خاص سیاسی می‌داند، صداوسیما هم شکل غیرمکتوب یک چنین رسانه‌ای است. به هیچ عنوان نمی‌توان رویکردها و جهت‌گیری‌های جناحی این رسانه را منکر شد. همین رویکرد جناحی است که باعث شده، طیف وسیعی از ایرانیان به جای صداوسیما اخبار را از طریق رسانه‌های ماهواره‌ای و... دنبال کنند. وضعیتی که بدون تردید منشا آسیب‌های فراوانی به گفتمان انقلاب اسلامی بوده است و باید به آن پایان داده شود.

منبع: روزنامه اعتماد 14 بهمن 1400 خورشیدی